زاویه دید همشهری:۱۳۸۳/۱۲/۱۸

در برنامه ریزی برای حل معضلا ت اجتماعی

به بیراهه نرویم...

دکتر عبدالله زرافشان

در برنامه ریزی برای حل معضلات اجتماعی معمولاً ما شرقی ها عادت کرده ایم که آنقدر به مشکل و معضلی ابتدایی و محدود بی توجهی کنیم تا تبدیل به بحرانی شهری، ملی و اجتماعی شده و فاجعه به بار آورد و آن وقت به انتظار می نشینیم تا نابغه ای جامع اندیش و پیامبرگونه ظهور کرده و جامعه را از فاجعه و بحران برهاند. ما اعتراف کرده ایم، بارها و بارها که برای حل بسیاری از بحران های موجود در کشور به عزم ملی نیاز داریم و اخیرا نیز دریافته ایم که وفاق ملی است که می تواند زمینه ساز تحقق عزم ملی باشد. واحدهای اجتماعی در محدوده ملی از کوچک تا بزرگ عبارتند از خانواده، محله، شهر و استان که همگی زیر گروه کشور که ملت را دربرمی گیرد، محسوب می شوند .اگر واحدهای اجتماعی زیرگروه ملی، به خصوص خانواده، بسته و نفوذناپذیر باشند، چگونه وفاق ملی تحقق پیدا می کند؟ ... چرا اعتیاد فرزند خود را مشکلی خانوادگی می دانیم و اصرار داریم آن را در محدوده بسته و غیرقابل نفوذ خانواده حل و فصل وچاره جویی کنیم؟...

وقتی فرزندان ما از سنین پایین تا بلوغ و کم وبیش تحصیلات عالی، مجبورند بیشتر اوقات شبانه روز را در نهادهایی مانند مهدکودک، کودکستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه سپری کنند که البته بعضی نهادهای فرعی دیگر نظیر پارک و زمین های بازی، باشگاه های ورزشی، آموزشگاه های آزاد، سینما، خوابگاه های دانشجویی، فرهنگسراها و مانند آنها نیز به این مجموعه ضمیمه می شود ، چرا اصرار داریم مشکل اعتیاد و هرگونه ناهنجاری دیگر در فرزندمان را در محدوده خانواده مطرح، بررسی و احتمالا برطرف کنیم؟...

شاید ملاحظات اخلاقی و عدم افشای ناهنجاری های فردی و خانوادگی با این شدت و غلظتی که ما با آن روبه رو هستیم، منطقی و توجیه پذیر نباشد .در همیشه تاریخ و در همه جوامع، اخلاق با شدت وضعف های متفاوت وجود داشته، دارد و خواهد داشت، ولی فکر نمی کنید که دیگر، جوامع امروزی با سیلی سرخ نگه داشتن صورت را برنمی تابند؟ ...!...

شکی نیست که گام اول در برنامه ریزی برای برطرف کردن هرگونه معضل اجتماعی که ریشه در واحدهای کوچک تا بزرگ آن دارد، دستیابی به آمار و اطلاعات صحیح و دقیق است تا با ارزیابی و پردازش آن، راهکارها و راهبردهای مناسب و موثر را برای مبارزه با آن برگزید. بنابراین، لازم است بعضی پدیده ها و مسایل خانوادگی را از زمره اسرار خانوادگی خارج سازیم . اکثریت قریب به اتفاق ما زندگی مجردی را تجربه کرده ایم و همه به یاد داریم که در اینگونه زندگی جارو کردن اتاق و خانه از جمله کارهای شاق به حساب می آید. از این رو در بیشتر موارد، برای سرعت دادن به جاروکردن، زباله ها را به زیرفرش یا میز هدایت و در آنجا پنهان می کنیم...، ولی امان از روزهای آخر سال که افتضاح آن در می آید و بقیه ماجرا...

امروزه با قید محرم بودن پزشک تا حدی ناگفتنی ها را با وی در میان می گذاریم، چه، اذعان داریم برای تشخیص و درمان بیماری، پزشک بایستی اطلاعات کاملی از آن داشته باشد . حال، چه عیبی دارد این واقع گرایی سازنده را در عوارض غیرپزشکی نیز تعمیم دهیم؟...

از گام اول بگذریم وبه گام بعدی بپردازیم...

فرض را بر آن می گذاریم که می توانیم به آمار و اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی معضل اجتماعی، با درصد خطای حداقل و بسیار اندک، دست پیدا کنیم. ولی کیست که نداند هر معضل اجتماعی را نمی توان مجرد و منتزع از سایر معضلات ارزیابی، بررسی و چاره اندیشی کرد. از این روست که در اینگونه برنامه ریزی ها نیاز به تیم پژوهشگر داریم، نه صرفا یک پژوهشگر...

به طور مثال در مواجهه با مشکل آلودگی هوای تهران، چیزی بیش از ۱۵ تخصص یا به عبارتی متخصص مورد نیاز است. از جمله پزشک متخصص ریه و دستگاه تنفسی، پزشک متخصص قلب و عروق، پزشک متخصص اعصاب و روان، روانپزشک بالینی، روانکاو، جامعه شناس، متخصص شهرسازی، متخصص ترافیک، شیمیست متخصص فرآیند احتراق، مهندس مکانیک، متخصص صنعت خودرو، متخصص هواشناسی و متخصص اقلیم شناسی و متخصصان آشنا با انواع استانداردها و ... لذا جست وجو و تحقیق برای دستیابی به اعداد و ارقام علمی و آماری مورد نیاز برای اجرای طرح در هر تخصص را باید متخصص مربوطه اش عملی سازد. شک و تردیدی در اینکه همه ما از موفقیت های دانش آموزان و دانشجویانمان در المپیادهای علمی، احساس غرور و افتخار می کنیم، وجودندارد، ولی این یک روی سکه است روی دیگر حکایت از این دارد که دانش آموزان و دانشجویان ما چندان تبحری در فعالیت های علمی و پژوهشی گروهی و دسته جمعی را ندارند که این ریشه در فرهنگ مشرق زمین دارد... تک روی و فردگرایی...

در بررسی و مقایسه پروژه های دانشجویی، وضعیت به نوعی است که موید ادعای فوق الذکر است، یعنی روی دوم سکه... پروژه دانشجویی یک نفره قابل قبول تر از نوع ۲نفره و ۲نفره بهتر از نوع ۳نفره و... است. با دقت و ارزیابی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اخیر جهان و کمی تامل روی اصطلاح وضرب المثل بسیار رایج خودمان« همه چیز را همگان می دانند» به استنتاجی می رسیم که نه فقط این ویژگی را امتیاز نمی داند هیچ، حتی آن را نوعی نارسایی اجتماعی تلقی می کند.

پس از تکوین انقلاب کبیر فرانسه که میزان عدالت اجتماعی ارتقا پیدا کرده و امکان تحصیل، تدریجا برای همه طبقات اجتماعی میسر شد، به دلیل ظهور ماشین در اثر انقلاب صنعتی در اروپا و در پی انقلاب کبیر فرانسه، مناسبات اجتماعی و اقتصادی نیز به حالت مکانیکی ارتقا پیدا کرد و این بدان معنی بود که انگیزه یادگیری و پیشرفت در هر زمینه ای در بین کودکان، نوجوانان، جوانان و در واقع تمام گروه های سنی، رقابت و سبقت جویی بود که این ویژگی اجتماعی تا همین ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته تداوم داشت. اما پس از انقلابی دیگر که در رسانه های جمعی حادث شد و نیز ظهور وسایل ارتباطی شخصی پیشرفته و نهایتا رایانه به مفهوم عام آن، روابط و مناسبات فرد با فرد در قلمرو اجتماع، از حالت خشک و بی روح مکانیکی به حالت تنگاتنگ و پرشتاب الکترونیکی درآمد و بر این اساس، انگیزه پیشرفت و ترقی در هر زمینه ای در بین تمام گروه های سنی، دیگر نمی توانست تمایلات رقابتی و پیشی جستن باشد و لذا در دوران روابط الکترونیک، همفکری و هم اندیشی است که می تواند زاینده ابداعات خارق العاده در جهت حل معضلات جوامع بشری باشد. در عصر حاضر، در قلمرو بدون مرز روابط انسانی که تماما از گونه اجتماعی است، به سختی می توان هر نیاز یا هر احساس و انگیزه ای را کاملا شخصی دانست. با توجه به اینکه در سیستم های ارتباطی از نوع الکترونیک، این الکترون است که محمل اطلاعات بوده و انواع و اقسام آن را از فواصل اندک تا میلیاردها سال نوری فاصله جابه جا می کند .لذا دقیقاً می توان ادّعا کرد که امروزه،اطلاعات بین انسان ها با سرعتی نزدیک به سرعت نور، کران تا کران زمین و آسمان ها را می پیماید و به سرعت، اسرار ناگفتنی را فاش می سازد. بی جهت دچار اضطراب و نگرانی نشوید، این افشاگری استثنا نمی شناسد و در مورد اسرار تمام انسان ها بی هیچ ملاحظه و پارتی بازی ، صورت می گیرد. در واقع اگر علاقه مند هستید که بسته زندگی کنید و دیگران به قلمرو احساس واندیشه و نیک و بد شما راه نیابند، بایستی کائنات را به گذشته ها برگردانید؛ به گذشته هایی که رسانه های ارتباطی از گونه مکانیکی حتی محدودتر و کم اثرتر بود، بازگردانید .تصمیم بگیرید، چندان فرصتی به شما داده نمی شود. چه باید کرد؟... شانس انتخاب وجود ندارد زیرا برآیند تفکر و اندیشه جهانی که حاصل جمع اندیشه یک به یک انسان های روی کره خاکی و تقسیم بر تعداد آنهاست، تصمیم گرفته و می گیرد... شاید این برآیند شگفت انگیز نقطه روشن و راهبر انسان ها به سوی رستگاری ابدی باشد.